

## صبحی با قصه‌گویی

### حسین تولائی

قصه‌های صبحی. به روایت فضل‌الله مهتدی (صبحی). به اهتمام لیما صالح رامسری. تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۷. ج ۲. ۱۱۳۰ ص. ۱۴۰۰۰۰ ریال.

قصه‌های عامیانه و فولکلور بخشی از ادبیات شفاهی مردم یک کشور است و بی‌شک حفظ و پاسداشت آن به عنوان فرهنگ ملی، وظیفه‌ی همه‌ی مردم کشور. «صبحی» اولین قصه‌گویی است که دو روز پس از تأسیس رادیو در ایران، در ششم اردیبهشت ۱۳۱۹ برای بچه‌ها قصه گفت. وی حدود بیست سال و تا پایان عمرش، برنامه‌ی قصه‌گویی خود را در رادیو ادامه داد. تأثیر کار صبحی چنان بود که در سر تاسر ایران مخاطبان و علاقه‌مندان بسیاری، نه فقط از میان کودکان، بلکه از جوانان و حتی سالخورده‌گان را با صدای گرم و دلنشین خود به دنیای خیال‌انگیز قصه‌هایش برد. از سوی دیگر، مردم از همه‌جای ایران قصه‌ها و افسانه‌هایی را که سینه به سینه به آن‌ها رسیده بود، برای صبحی فرستادند. بدین ترتیب او صاحب گنجینه‌ای ارزشمند از ادبیات ارزشمند شفاهی و قصه‌ها شد که با مطالعه و تطبیق آن‌ها و مشورت با نویسندگان و هنرمندان دیگر، این قصه‌ها را برای اجرا در رادیو آماده می‌کرد.

مجموعه‌ی قصه‌های صبحی که توسط انتشارات معین به بازار کتاب روانه شده، پیش از این در سال‌های ۱۳۲۸ (جلد اول) و ۱۳۳۲ (جلد دوم) چاپ شده است، اما توسط کدام ناشر، نمی‌دانیم! حداقل در این کتاب اشاره‌ای به آن نشده است. در مجموعه‌ی دوجلدی قصه‌های صبحی، جای زندگینامه‌ی کاملی از اولین قصه‌گوی رادیو ایران خالی است. در معرفی صبحی به خواننده‌ی امروزی به دو سه جمله‌ی کوتاه و گذرا بسنده شده، تا حدی که حتی از ذکر سال تولد او نیز دریغ شده است!

در این مجموعه افسانه‌هایی از ایران کهن، ایران باستان، افسانه‌های ملل (آن‌هایی که نظیرشان در زبان فارسی نیز هست)، داستان‌های دژ هوش‌ربا، دیوان بلخ و افسانه‌های بوعلی سینا را می‌خوانیم. گردآورنده‌ی این مجموعه ارزشمند سعی کرده به اصل کتاب و به لحن و شیوه‌ی نگارش صبحی وفادار بماند که قابل تحسین است. گاهی رشته‌ی کلام از قصه خارج شده و خواننده با روش کار صبحی مواجه می‌شود که در مورد قصه‌ها و مقایسه‌ی نسخه‌های متعددی که از شهرهای مختلف ایران به دست او رسیده، توضیح می‌دهد. این قسمت‌ها خوشبختانه از متن قصه‌ها متمایز شده‌اند و خواننده راحت‌تر می‌تواند به دقت و هنر صبحی پی ببرد. به بیان دیگر، در این مجموعه فقط قصه‌هایی را که صبحی گفته، نمی‌خوانیم، بلکه با شیوه‌ی بیان او در آغاز قصه‌گویی و هنگام اجرای برنامه‌های رادیویی هم آشنا می‌شویم.

آوردن یادداشتی از جلال آل احمد در مورد قصه‌های صبحی (در آغاز جلد اول) به نظر می‌رسد که برای نمایاندن ارزش کار صبحی

باشد، اما آیا بهتر نبود از صاحب‌نظران و کارشناسان ادبیات شفاهی و عامیانه و کسانی که دستی در قصه‌نویسی و قصه‌گویی دارند، در این باره پرسش می‌شد؟ می‌شد از پیشکسوتان این هنر - که هم‌اکنون در قید حیات هستند - در مورد صبحی و قصه‌هایش دست‌کم یادداشتی یا خاطره‌ای در این کتاب آورده شود تا هم ارزش کار صبحی بیشتر معلوم شود و هم یادداشت جلال آل احمد این‌گونه غریب نیفتد! یادداشتی که بیشتر در ذهن خواننده سؤال ایجاد می‌کند تا این که در معرفی صبحی و ارزش کار او گامی بردارد.

در نهایت نباید نادیده گرفت که پرداختن به پیشینه‌ی قصه، قصه‌گویی و قصه‌گویان در کشوری که گنجینه‌ی بزرگی در این زمینه دارد، در این شرایط همتی بزرگ می‌طلبد و به هر روی، گام نهادن در این راه دشوار را باید ارج نهاد.

## در چاه فروشد، ولی ستاره‌ها به پایش افتادند!

### مناف یحیی‌پور

خوابگردی با یازده گرگ. نقی سلیمانی. تصویرگر: رضا مکتبی. تهران: به نشر، ۱۳۸۷. ۱۱۶ ص. ۱۵۰۰۰ ریال.

می‌گویند روزی مسلمانان خسته و دل‌گرفته از آزار کفار قریش، رو به رسول خدا (ص) کردند و گفتند که ای کاش خدا سوره‌ای بر تو فرو فرستد که در آن قصه‌ای حکایت شده باشد. و خداوند سوره‌ی یوسف (ع) را بر پیامبرش فرو فرستاد تا هم بهترین قصه را برای بندگانش حکایت کند و هم بهترین شکل قصه‌گویی را به آن‌ها نشان دهد.<sup>۱</sup> قصه‌ای که همچنان پس از چند هزار سال زنده است و هنوز هم قصه‌گویان و قصه‌نویسان، آن را به زبان‌های گوناگون می‌نویسند و نقل می‌کنند.

حکایت این قصه، هم فراتر از یک ماجرای واقعی است که در چند هزار سال پیش برای شخصیتی به نام یوسف اتفاق افتاده، و هم با این که داستانی جذاب و پرکشش است، فقط یک داستان نیست که ذهن خیال‌پرداز هنرمندی چیره‌دست آن را آفریده باشد. داستان حضرت یوسف (ع) هم یک پا در عالم واقع دارد و جای ویژه در تاریخ دینی برای خود باز کرده و هم‌گویی پدیده‌ای زنده است و از آن زمان تا به امروز به اقتضای حال و روز مردم و نیازهایشان قبض و بسط می‌یابد و داستان مردم هر دوره هم می‌شود. به ویژه روایت قرآن کریم از این داستان چنان است که حتی می‌توان آن را جدای از مکان و زمانی خاص تصور کرد. به تعبیری هر کدام از ما می‌توانیم در پیرامون یا درون خود از یک سو در جست و جوی برادرانی باشیم که حیل می‌ورزند تا یوسف را سربه نیست کنند و از سوی دیگر برای نجات یوسف خود از چاه یا دام مکر و حیل‌آفرایان تلاش کنیم. از این منظر بد نیست به یاد آوریم که در روایت قرآن بدون اشاره به زمان دقیق وقوع ماجراها، از میان افراد داستان فقط نام یعقوب (ع) و یوسف (ع) و

دست نیازیده است.

نویسنده در بخش نخست و روایت قصه بر پایه ترجمه آیه‌های قرآن کریم، احتمالاً برای کاستن از ابهام قصه به ویژه برای خواننده نوجوان، بسیار کم از ترجمه دقیق آیات عدول کرده و مثلاً کلمه‌ای را اضافه کرده است. برای نمونه، در یک جا نام میوه‌ای را که زنان مصری با دیدن حضرت یوسف(ع) دست خود را به جای آن می‌برند (ترنج) که در متن آیه نیامده، ذکر می‌کند و در جای دیگری نیز در ادامه نقل سخن همسر عزیز مصر که به بی‌گناهی یوسف(ع) گواهی می‌دهد، نام عزیز را اضافه می‌کند:

ترجمه متن اصلی (براساس ترجمه روان و جذاب کتاب):  
«این‌ها برای آن است که بدانند در غیبتش به او خیانت نکرده‌ام...»  
ترجمه‌ای که در کتاب آمده: «همه این‌ها برای آن است تا عزیز بدانند که در غیبتش به او خیانت نکرده‌ام...»

سلیمانی با پشتوانه بیش از دو دهه داستان‌نویسی و مطالعات و تأملاتی که در این زمینه داشته، هنرمندانه هم داستانی زیبا و خواندنی از داستان‌های قرآن فراهم آورده تا نوجوانان علاقه‌مند با روایت این کتاب آسمانی از قصه حضرت یوسف(ع) – تقریباً بی‌هیچ دخل و تصرفی – آشنا شوند و هم با افزودن دو مقاله خواندنی، کتاب را پربارتر کرده است. او به تعبیر خودش، قصه خوابگردی با یازده گرگ را برای آن دسته از خوانندگان نوشته که دوست دارند پرجاذبه‌ترین قصه‌ها را بخوانند و برای آن دسته از نوجوانان که تیزبین‌ترند و لذتی بیشتر از لذت خواندن قصه می‌جویند و مخصوصاً آن‌ها که دستی در نوشتن دارند، نقد قصه و مقاله ضمیمه را آماده کرده است. در واقع نویسنده با این کار مجموعه‌ای متنوع اما منسجم پدید آورده است.

سلیمانی در بخش نخست، قصه‌ای خواندنی فراهم آورده؛ قصه‌ای که حتی برای کسانی که بارها روایت‌های گوناگونی از آن را خوانده یا شنیده‌اند، جذاب است. در دو بخش دیگر نیز متنی آموزشی تدارک دیده که هم به خوبی خواننده را با زیبایی‌های روایت قرآن کریم آشنا می‌کند و هم با مثال‌های گوناگون ظرایف کار داستان‌نویسی و دلایل و عوامل جذابیت یک داستان را به او نشان می‌دهد.

نقل داستان بر پایه گفت‌وگو که کاری هنرمندانه است و تسلط کافی بر زبان را می‌طلبد، ایجاز زیبایی که هم در ساختار زیرین و هم در بافت رویی قصه در اوج رعایت شده و حرکت دادن قصه از روی نقطه‌های اوج وقایع و واگذاشتن وقایع فرعی و کم‌تنش برای خواننده که آن‌ها را حدس بزنند، ساختمان دراماتیک قصه که به تراژدی نزدیک می‌شود، شخصیت‌پردازی متکی بر گفت‌وگو و عمل شخصیت‌ها، استفاده از سمبل و روایت مدور و ... محورهایی هستند که نویسنده در ذیل آن‌ها جزئیاتی از این قصه را برای مخاطب می‌شکافد و او را آرام‌آرام به لایه‌های عمیق‌تر داستان می‌برد. بخش ضمیمه هم به کوشش‌های تولستوی برای یافتن زیباترین قصه جهان و رسیدنش به قصه یوسف(ع) پرداخته؛ «قصه‌ای که سبب عشق آن، هزار دست آلوده را گمراه کرد.»



از میان جاها نیز فقط نام مصر برده شده است و مصر هم البته به عنوان اسم هر شهر بزرگ و آباد کاربرد داشته است. از این رو شاید بشود گفت که مراد از مصر لزوماً یک نقطه خاص جغرافیایی که امروزه هم آن را به همین نام می‌شناسیم، نبوده است.<sup>۲</sup>

\*

ظاهراً داستان حضرت یوسف (ع) از سال‌ها پیش، ذهن یکی از نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان کشورمان را جدی‌تر از بقیه به خود مشغول کرده است. ردّ توجه جدی نقی سلیمانی را به این داستان، دست‌کم از ویژه‌نامه ادبیات دینی سروش نوجوان می‌شود گرفت. حالا هم انتشار کتاب خوابگردی با یازده گرگ نشان از استمرار آن دل‌مشغولی دارد و چه با برکت بوده است این دل‌مشغولی.

نقی سلیمانی در روایت قصه حضرت یوسف (ع) در این کتاب دست به کاری سهل و ممتنع زده است. سهل از آن رو که ظاهراً نویسنده کاری نکرده و فقط قصه را بنا به روایت قرآن کریم برای نوجوانان به زبان داستان درآورده و حتی چنان که خود گفته، همین کار را هم براساس متن ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی و با کمک گرفتن از هفت ترجمه دیگر و تفسیرالمیزان به انجام رسانده است. اما ممتنع از آن‌رو که چنین کاری نخستین بار است که صورت می‌پذیرد و با تمام شیرینی‌اش چنان دشوار بوده که در این همه سال کسی بدان

۱. در مقدمه قصص قرآن صدر بلاغی، چنین ماجرای آمده است. (به نقل از پیش‌گفتار کتاب احسن القصص، سیدهاشم رسولی محلاتی)
۲. نگاه کنید به کتاب اندوه یعقوب، نوشته علی طهماسبی، (تهران: یادآور، ۱۳۸۰).

## نگاهی به دو کتاب رولد دال، یک تیر و دو نشان

### فرشته سلیمانی

آقای روباه شگفت‌انگیز. رولد دال. ترجمه محبوبه نجف‌خانی. تصویرگر: کوئنتین بلیک. تهران: نشر افق، ۱۳۸۸. ۱۴۴ ص. ۲۰۰۰۰ ریال.

غول بزرگ مهربان. رولد دال. ترجمه محبوبه نجف‌خانی. تصویرگر: کوئنتین بلیک. تهران: نشر افق، ۱۳۸۷. ۲۸۸ ص. ۳۵۰۰۰ ریال.

آقای رولد دال عزیز!

برای این که تن شما توی گور نلرزد، لازم دیدم قبل از هر چیز یادآوری کنم اگر من به طور همزمان به دو کتاب شما می‌پردازم، دلیلش این نیست که این دو اثر، طرح یکسانی دارند. من خوب می‌دانم که شما از نویسندگانی که بعد از موفقیت یک اثرشان، طرح آن را بارها و بارها در دیگر آثارشان تکرار می‌کنند، بیزارید. بنابراین نمی‌خواهم شما را از خودتان بیزار کنم! اما خُب، حتماً قبول دارید هوایی که خوانندگان در داستان‌های شما تنفس می‌کنند، همیشه همان رایحه و همان سرزندگی را با خود دارد. تصویرگر تان هم که اغلب کوئنتین بلیک بود. حالا وقتی مترجم و ناشر دو اثر شما، در کشوری دیگر مثل ایران هم یکی باشند، آن دو اثر به قول خودتان «جان می‌دهند» برای بررسی یکجا!

با این امید که در سطور بالا دلایل رضایت‌بخشی یافته باشید، با اجازه شما از حالا به بعد، رو به جمع می‌نویسم:

**آقای روباه شگفت‌انگیز و غول بزرگ مهربان** تنها کتاب‌های رولد دال نیستند که محبوبه نجف‌خانی ترجمه کرده و نشر افق آن‌ها را به چاپ رسانده است. از دیگر آثار دارای این مشخصه می‌توان به **داوری شگفت‌انگیز جورج، بدجنس‌ها** و... اشاره کرد.

در کتاب‌های رولد دال فقط آقای روباه، شگفت‌انگیز نیست؛ همه قهرمانان داستان‌های او به نوعی شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌اند. حتی قهرمان داستان پسر — داستانی که بر اساس زندگی واقعی خود اوست — نیز چنین ویژگی‌ای دارد.

باید بگویم سوفی، کودک قهرمان غول بزرگ مهربان، از آقای روباه هم شگفت‌انگیز تر است. اوست که جان بچه‌های هم‌سن و سال خودش را از دست غول‌های بی‌رحمی مثل «گوشت‌قلنبه کُن» و «خون

تو شیشه کُن» نجات می‌دهد و تازه، اوست که می‌فهمد غول‌ها با همه بی‌رحمی‌شان سزاوار کشته‌شدن به دست انسان‌ها نیستند و زندانی کردن‌شان کافی است. در واقع غ.ب.م (غول بزرگ مهربان) موفق شده به خوبی او را توجیه کند (البته او چون به مدرسه نرفته، ممکن است فهمیدن حرف‌هایش مشکل باشد!):

«وجودهای شرّ (بشر) همیشه به نفع خودشان قانون درست می‌کند. اما قانون آن‌ها به نفع بزه‌کچولوها نیست... غول‌ها هم برای خودشان قانون دارد اما قانون آن‌ها به نفع وجود شرّ (بشر) نیست. من راست می‌گویم یا چپ؟ (راست یا دروغ)»

البته به نظر نمی‌رسد که نویسنده فقط برای به رخ کشیدن بی‌سوادی غ.ب.م کلمات را از قول او این‌گونه نقل کرده باشد. با این که نمی‌دانم به کاربردن کلمه «شرّ» به جای «بشر» تا چه حد کار نویسنده و تا چه اندازه کار مترجم بوده، اما آن را مثال خوبی برای زیرکی در بیان مطلب می‌دانم. کما این که مترجم نیز در پانویشت اشاره‌ای به استفاده نویسنده از غلط‌های زبانی غول کرده است.

دیگر آن که از همین چند جمله کوتاه می‌توان متوجه شد که نویسنده درصدد است قضاوت به نفع خود را بدون در نظر گرفتن شرایط طرف مقابل — حتی اگر موجود وحشتناکی مثل یک غول باشد — نه تنها برای سوفی بلکه برای همه کودکانی که کتاب را می‌خوانند، ناپسند جلوه دهد. در واقع هدف اصلی دور کردن کودکان از بسنده کردن به تصورات رایج درباره یک موجود و حتی یک پدیده است.

نکته‌ای که آقای روباه شگفت‌انگیز به این مطالب می‌افزاید، این است که هر چیزی، اگرچه در یک نگاه کلی چندان خوب به نظر نیاید و حتی بد باشد، اگر در جای مناسب به کار گرفته شود می‌تواند از خوب هم خوب‌تر باشد! روباه مکار که همیشه برای قهرمانان داستان‌های گوناگون در دسر می‌سازد، حالا با استفاده از همان روحیه حيله‌گری، جان جانوران زیرزمین را نجات می‌دهد (خرگوش‌ها، گورکن‌ها و خزها).

قطعاً این که آدم بنشیند و پیام‌های داستان را استخراج کند و به خیالش با این کار به بررسی داستان بپردازد، خیالی خام بیش نیست؛ ولی در این جا مقصود از بیان اهداف داستان — که چندان پیچیده هم نیستند و کودکان به راحتی آن‌ها را در می‌یابند — نشان دادن جلوه‌ای از تلاش نویسنده برای ارائه یک کار جدید و حتی از آن مهم‌تر یک دیدگاه جدید برای کودکان است؛ مسئله‌ای که ذهن تمام نویسندگان کودک را به خود مشغول کرده است.

مهم‌ترین چیزی که در همان صفحات اول کتاب، خواننده را به خود جذب می‌کند، زبان روان و صمیمی داستان‌هاست. برای نمونه، قسمتی از **غول بزرگ مهربان** را مرور می‌کنیم:

«سوفی از ترس می‌خکوب شده بود. عجیب آن که ملکه هم انگار می‌خکوب شده بود. آدم انتظار دارد که او حسابی تعجب کند. — همان‌طور که من و شما اگر صبح زود دختر کوچکی را روی لبه پنجره اتاقمان ببینیم، حسابی تعجب می‌کنیم — ولی انگار ملکه اصلاً تعجب نکرده بود...»